

درس چهارم: توصیف افراد

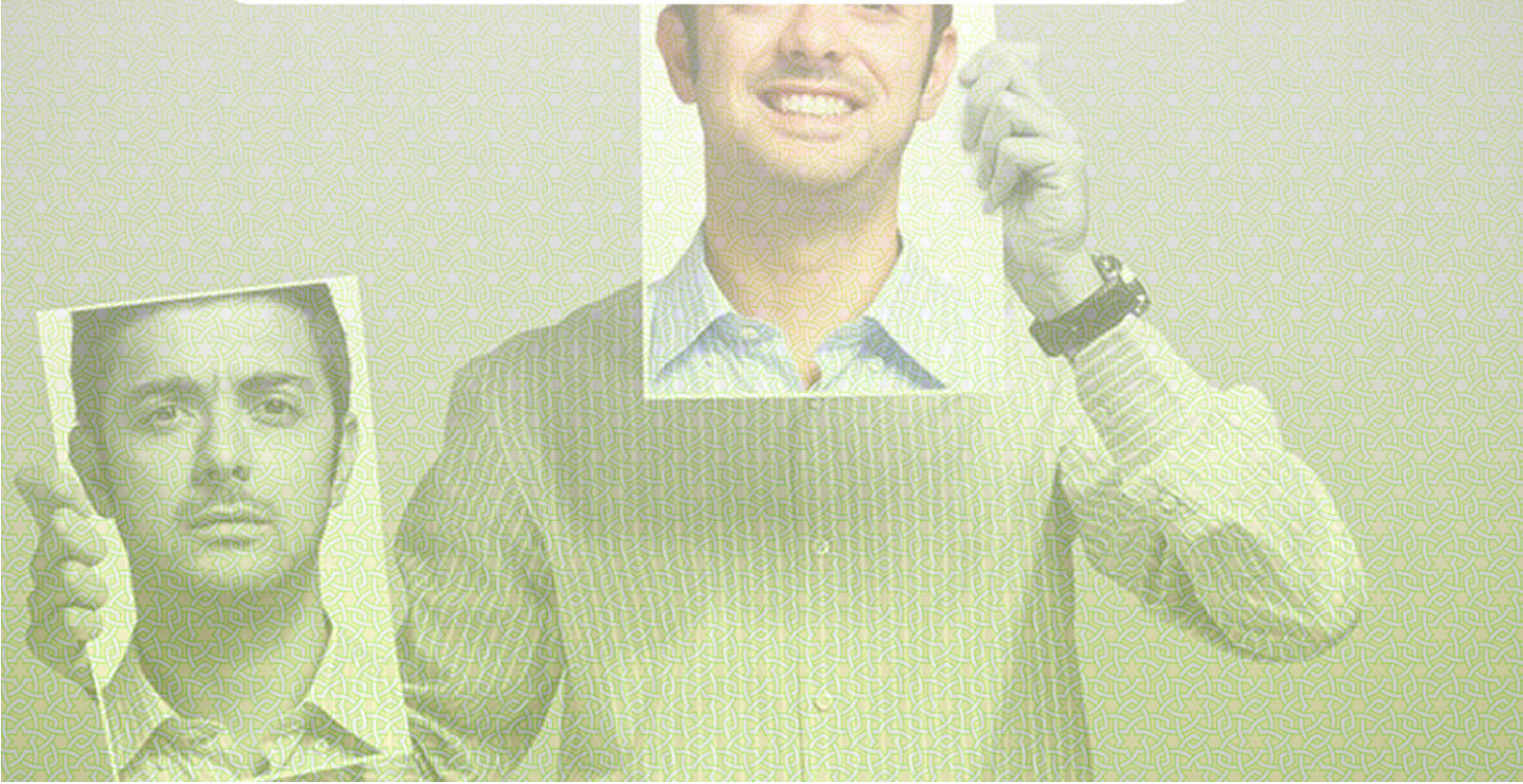
واژه‌ها و اصطلاحات

کم حرف، خجالتی، خنده‌رو، اخمو، زبان مادری، هنرمند، مؤدب، باهوش، سالن ورزشی

اهداف درس

انتظار می‌رود زبان آموز پس از خواندن این درس:

۱. با مفهوم توصیف آشنا شود.
۲. با مفهوم صفت‌های موجود در متن درس آشنا شود و بتواند تصویر مربوط به هر صفت را تشخیص دهد.
۳. مفهوم واژه‌های جدید درس را تشخیص دهد و بتواند در جمله‌ها به درستی از آنها استفاده کند.
۴. ویژگی‌های مربوط به هر فرد در متن درس را تشخیص دهد.
۵. با مفهوم دستوری صفت و جایگاه آن آشنا شود و بتواند با کمک اسم و صفت جمله بسازد.
۶. با تفاوت معنایی و کاربرد دو فعل «است» و «دارد» آشنا شود و بتواند در ساختن جمله‌ها از آنها به درستی استفاده کند.



توصیف افراد

هر یک از صفتهای زیر برای کدام تصویر مناسب تر است؟ ممکن است پاسخها با هم متفاوت باشند. !

کم حرف	پُر حرف	مجرد	متأهل
اخمو	خنده‌رو	لاغر	چاق
جوان	نوجوان	قد کوتاه	قد بلند
ورزشکار	مهربان	پیر	میانسال



با دوستان خود گفتگو کنید و برای تصویرها زیر چند صفت بنویسید. !



۲



این خانم همسر من است. اسم او «منیژه» است؛ منیژه میرزایی. همسر من فلسطینی نیست. او اهل ایران است و زبان مادری او زبان فارسی است؛ اما خیلی خوب به زبان عربی هم صحبت می‌کند. همسر من هنرمند است. او نقاشی را خیلی دوست دارد. همسر من خیلی مهربان و خنده‌رو است. من او را خیلی دوست دارم.



۱



اسم من «محمد دیب» است. من متأهل هستم و ۲۵ سال دارم. من اهل فلسطین هستم؛ اما حالا در ایران درس می‌خوانم. اسم دانشگاه ما «مصطفی» است. من در ایران دوست‌های زیادی دارم و آنها را خیلی دوست دارم.

۳



این آقا هم‌کلاسی من است و اسم او «عمار حسین» است. او اهل عمان است و به زبان‌های عربی، فارسی و انگلیسی صحبت می‌کند. عمار متأهل است و چهار فرزند دارد. او خیلی مهربان است. عمار زیاد حرف نمی‌زند. او خیلی کم حرف است.

۴




این آقا دوست من نیست. ایشان مدیر دانشگاه ما است. آقای حسینی اهل ایران است. اسم ایشان «محمود حسینی» است. آقای حسینی اخمو نیست. او خیلی مهربان است. آقای حسینی ورزشکار است. او هر روز با دانشجویها ورزش می‌کند. دانشجویها، او را خیلی دوست دارند.


۴



«تویباس» آلمانی است؛ اما حالا در ایران زندگی می‌کند. آن خانم جوان همسر او است. تویباس خیلی قدبلند و کمی چاق است؛ اما خانم او قدکوتاه و لاغر است. تویباس مهندس کامپیوتر است و همسر او پزشک است. او در یک بیمارستان بزرگ کار می‌کند.

تکلیف ۱: جدول زیر را کامل کنید. 

نام	ملیت	شغل	توصیف
۱. محمد دیب
۲. منیژه
۳. عمار حسین
۴. تویاس
۵. آقای حسینی

تکلیف ۲: جمله‌های زیر درست هستند یا نادرست؟ با استفاده از متن، جواب را مشخص کنید. 

- نادرست درست
- آقای دیب در ایران دوستان زیادی ندارد.
- کجای متن آمده است؟ متن ۱: من در ایران دوستان زیادی دارم و آنها را خیلی دوست دارم.
۱. آقای محمد دیب مجرد است.
- کجای متن آمده است؟
۲. خانم منیژه میرزایی اهل فلسطین است و به زبان عربی هم صحبت می‌کند.
- کجای متن آمده است؟
۳. همسر آقای دیب هنرمند است.
- کجای متن آمده است؟
۴. عمار به سه زبان صحبت می‌کند.
- کجای متن آمده است؟
۵. عمار خیلی اخمو است.
- کجای متن آمده است؟
۶. تویاس مهندس کامپیوتر است و در بیمارستان مولوی کار می‌کند.
- کجای متن آمده است؟
۷. همسر تویاس خیلی لاغر و قدبلند است.
- کجای متن آمده است؟
۸. آقای حسینی دوست محمد دیب است.
- کجای متن آمده است؟
۹. آقای حسینی ورزشکار است.
- کجای متن آمده است؟

اسم + صفت

مثال: من یک کیفِ بزرگ دارم.
مثال: برادر من دو مدادِ کوچک دارد.

دکتر جوان
کیفِ کوچک
آشپز چاق
کیفِ بزرگ

محل صفت

این دکتر جوان است.
آن آشپز چاق است.
کیفِ من بزرگ است.

مثال

اسم + صفت + است

تمرین: با واژه‌های زیر دو جمله بسازید.

مثال: مداد / کوچک

۱. مداد برادر من کوچک است. (است)
۲. برادر من یک مداد کوچک دارد. (دارد)

خط کش / بلند	کیف / کوچک
۱. _____ (است)	۱. _____ (است)
۲. _____ (دارد)	۲. _____ (دارد)
پسر / قدبلند	معلم / مهربان
۱. _____ (است)	۱. _____ (است)
۲. _____ (دارد)	۲. _____ (دارد)
مداد رنگی / زیبا	خودکار / زشت
۱. _____ (است)	۱. _____ (است)
۲. _____ (دارد)	۲. _____ (دارد)
کاغذ / بزرگ	میز / قدیمی
۱. _____ (است)	۱. _____ (است)
۲. _____ (دارد)	۲. _____ (دارد)



متن درس را با صدای بلند بخوانید.

خود آزمایی

۱. مخالف واژه‌های زیر را وصل کنید.

پیر	متأهل
مجرد	لاغر
نامهربان	جوان
چاق	خنده‌رو
اخمو	مهربان

۲. با واژه‌های جدید درس، جمله بنویسید.

- ۱.
- ۲.
- ۳.
- ۴.
- ۵.
- ۶.
- ۷.
- ۸.
- ۹.
- ۱۰.



بیمار و گوشت گوسفند

روزی یک آقا با همسرش به مطب دکتر رفت.

پزشک به آن مرد بیمار گفت: باید گوشت بیشتر بخوری تا زودتر خوب شوی.

زن به دکتر گفت: آقای دکتر لطفاً به ایشان دارو بدهید تا بخورد.

دکتر به آن خانم گفت: گوشت برای ایشان بهتر است. چرا شما از

گوشت آن گوسفند به ایشان نمی‌دهید؟

زن در حالی که گریه می‌کرد به دکتر گفت: آقای دکتر همسر من

حالا زنده هستند. من آن گوسفند را برای مراسم ختم همسر من

گذاشتم.

